

# اطاله دادرسی از بزرگ‌ترین چالش‌های قوه قضائیه است

نگاهی اجمالی به سند تحول قضایی، رویکردها و اهداف آن در گفت‌وگو با یک حقوقدان

کفت‌وگو  
احمدرضادین



ابوعلی‌اشرف قاضی‌فغانی

بی‌تردید بحث اطاله دادرسی و پرونده‌هایی که مسیر بررسی آن طولانی شده و باعث می‌شود در برخی از محاکم شاهد تعدد پرونده‌های در انتظار بررسی و صدور رأی باشیم، از جمله مشکلاتی است که دستگاه قضا همواره با آن روبه‌رو بوده و هست. این مسئله قطعاً ریشه‌ها و علل گوناگونی دارد، با این همه شاید بتوان گفت عدم تناسب بین شکایات و دعاوی ار جارجی به دادگستری از یک طرف و نیروی انسانی، سخت‌افزار و نرم‌افزار موجود در دادگستری برای بررسی پرونده‌ها از

جمله مهم‌ترین عواملی است که باعث اطاله دادرسی می‌شود. از سوی دیگر پرونده‌هایی نظیر دعاوی مالی و همچنین انحصار وراثت و تحریر ترکه از جمله پرونده‌های زمان‌بر و پرتعدادی است که بار سنگینی روی دوش دستگاه قضا گذاشته است. این موضوع از جمله دلمشغولی‌های همیشگی مدبران دستگاه قضا بوده و تأکید ریاست قوه قضائیه بر ضرورت کوتاه کردن فرآیندهای اداری و کاهش وقت دادرسی، سختی در همین راستاست. آنچه سند تحول قضایی خوانده شده و این روزها

سخنان بسیاری از سوی مدیران و کارشناسان قضایی و حقوقی درباره اهمیت آن گفته می‌شود، می‌تواند باعث نظم و انضباط بیشتر در محاکم شود و بدین ترتیب کاهش زمان رسیدگی به پرونده‌ها را در پی داشته باشد. از سویی دیگر به اذعان صاحب نظران، دفاتر خدمات الکترونیک و توجه بیشتر به نقش آن در شرايط امروز می‌تواند نقش چشمگیری در جلوگیری از اطاله دادرسی داشته باشد. در همین بحث به گفت‌وگو با علی بیات، حقوقدان به گفت‌وگو نشستیم که در ادامه می‌خوانید.

**به نظر شما چه راهکارهایی برای جلوگیری از اطاله دادرسی وجود دارد و آیا سند تحول قضایی می‌تواند نقشی در این راستا ایفا کند؟**

از اساسی‌ترین ضعف‌ها و مشکلات قوه قضائیه که همه انحصاری که به دادگاه‌ها در ارتباط بودند و بر آن وقوف دارند، اطاله دادرسی و زمان‌بر بودن رسیدگی به پرونده‌هاست؛ به طوری که در بسیاری از موارد مشاهده می‌گردد که مردم از احقاق حق خود منصرف شده با رأی صادره حکم نوشدارو بعد از مرگ سیهراب را دارد.

سند تحول قضایی به عنوان مبنای عمل قوه قضائیه در حال حاضر که به منظور هم‌ترازی با گام دوم انقلاب نگارش یافته و در تاریخ ۱۳۹۹/۹/۳۰ توسط ریاست سابق قوه قضائیه ابلاغ شده، به بخش عمده‌ای از حل مشکلات و آسیب‌ها و همچنین راهبردهای اهداف قوه قضائیه در سه افق کوتاه‌مدت (تا تیرماه ۱۴۰۰)، میان‌مدت (تا پایان سال ۱۴۰۲) و بلندمدت (پس از آن) این سند در چند بند به بحث اطاله دادرسی اشاره دارد. در فصل دوم سند تحول قضایی با عنوان برنامه تحول: چالش ۲، عوامل اطاله در فرآیند رسیدگی در پنج مورد احصا شدند که کثرت و افزایش پرونده‌های ورودی به قوه قضائیه مهم‌ترین آنهاست.

**آیا می‌توان به‌شکلی نقش این عامل را از همه مهم‌تر دانست؟**

بله، می‌توان بیان کرد که اصلی‌ترین عامل اطاله دادرسی همین مورد است. به نقل از معاون راهبردی قوه قضائیه، سالی بیش از ۹ میلیون پرونده یکتا وارد دستگاه قضایی و ۱۷ میلیون رسیدگی انجام می‌شود و تعداد بالای پرونده‌ها یکی از اصلی‌ترین دلایل اطاله دادرسی است. چنین امر نگران‌کننده‌ای نه تنها از استانداردهای جهانی و میزان پرونده‌های کشورهای بر جمعیت‌نیز بالاتر است که به هیچ وجه با تعداد قضات شاغل در دستگاه قضائینیز تناسبی ندارد.

غلامحسین اسماعیلی سخنگوی سابق قوه قضائیه هم سال ۹۸ گفت که با وجود جذب ۳۲۷ قاضی جدید اما

بسیاری از مکاتب اجتماعی، خانواده‌را مهم‌ترین رکن حیات اجتماعی و عامل اساسی و مهمی برای رشد و شکوفایی جوامع

یا سقوط آنها می‌شناسند. در نظام اسلامی و فرهنگ ایرانی نیز به خانواده

توجه خاصی شده است. در مقدمه قانون اساسی ایران، از خانواده به عنوان واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی یاد شده است.

بر همین اساس، جهت‌گیری کلی قانون اساسی و قوانین عادی به سمت ارع نهادن به نهاد خانواده و تکریم و بزرگداشت آن است؛ همانطور که اصل دهم قانون اساسی نیز خانواده را واحد بنیادین جامعه اسلامی دانسته است.

دادگاه صالح برای حفظ کین و بقای خانواده می‌کند. بر این اساس با توجه به نوع اختلافاتی که ممکن است بین زن و مرد در خانواده پدید آید، دولت موظف است با ایجاد دادگاه‌های صالح، زمینه‌هر گونه سوءاستفاده از حقوق زن را از بین ببرد و به طور کامل او را زیر چتر حمایت قضایی در آورد.

بدین جهت به منظور رسیدگی به امور و دعاوی خانوادگی در تمامی حوزه‌های قضایی شهرستان، شعبه دادگاه خانواده وجود دارد. در برخی از حوزه‌های قضایی به جهت عدم تشکیل دادگاه خانواده، شعبه‌هایی از دادگاه عمومی حقوقی مستقر در آن حوزه با رعایت تشریفات و قوانین مربوطه به امور و دعاوی خانوادگی رسیدگی می‌کنند. دادگاه خانواده با حضور رئیس

اکنون وضعیت بفرنج‌تر شده و ۲۵ درصد از برنامه عقب هستیم. از طرف دیگر باید به این نکته توجه کرد که برخی پرونده‌های کیفری هم‌زمان چند مقام قضایی را درگیر می‌کنند (دادیار، باز پرس، قاضی صادرکننده رأی، دادستان) و این گونه نیست که هر پرونده صرفاً توسط یک قاضی رسیدگی شود. همچنین مشکلات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی باعث افزایش جرائم و بالطبع پرونده‌ها در کلاتشهرها و شهرهای مهاجرپذیر شده است که این خود قضات را در سال‌های اخیر بیشتر مشغول کرده است.

**برای حل مهم‌ترین عامل اطاله دادرسی دستگاه قضا باید چه راهکاری اتخاذ کند؟**

اولین راهکار افزایش تعداد قضات است. همه کسانی که به نحوی در آزمون‌های جذب عمومی و اختصاصی قوه قضائیه شرکت کردند، فارغ از نتیجه حاصله به نوعی می‌نابند که فرایند جذب و گزینش قضات در این نوعی جذاب‌ها تا چه میزان طولانی و زمان‌بر است. چندین نوع آزمون که در فواصل مختلف از داوطلبان گرفته می‌شود تا صلاحیت داوطلبان تصدی منصب قضا احراز



سند تحول با شناسایی صحیح حجم بالای ادعاهای اعسار از هزینه‌های دادرسی به عنوان یکی از عوامل اطاله رسیدگی به پرونده‌ها، راه‌حل‌هایی مثل عدم تشکیل پرونده دادرسی و اعسار از هزینه دادرسی و جایگزینی اعتبارسنجی مالی اشخاص مدعی اعسار و غیره در نظر گرفته است



گردد ماه‌ها یا حتی سال‌ها زمان می‌برد. آسیب‌شناسی نحوه جذب و گزینش قضات به روش کنونی را به فرصت دیگری واگذار می‌کنیم، اما در همین حد باید اشاره کرد که اطاله در جذب و گزینش قضات خود یکی از دلایل اطاله دادرسی است.

**به نظر شما معاونت پیشگیری از جرم قوه قضائیه چه راه‌حل‌های اساسی برای کاهش**

معاونت پیشگیری از جرم نباید به ارسال چند پیامک برای افزایش آگاهی حقوقی مردم (که البته اقدامی پسندیده است) بسنده کند، بلکه پیش و بیش از همه باید به دنبال حل و فصل اختلافاتی باشد که اساساً بدون طرح در دادگاه نیز قابل حل و فصل است.

راهبردهای سند تحول قضایی برای حل این مسئله، گسترش روش‌های حل اختلافات برای کاهش مراحل غیر ضروری دادرسی است که در مجموع برای حل مشکلات اطاله دادرسی به مرکز توسعه حل اختلاف، معاونت حقوقی و امور مجلس قوه قضائیه، معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم، معاونت اول، دیوان عدالت اداری، سازمان بازرسی کل کشور و سازمان قضایی نیروهای مسلح در بلندمدت و همچنین معاونت حقوقی و امور مجلس در دوره میان‌مدت تکیه کرده است.

**علاوه بر کثرت پرونده‌های ورودی، دیگر مواردی که در سند تحول قضایی در بحث عوامل اطاله دادرسی به آن اشاره می‌شود، کدام است؟**

اگر بخواهم به شکلی موجز به دیگر موارد و مباحثی که در سند تحول قضایی در خصوص اطاله دادرسی مطرح می‌شود، اشاره کنم به این شرح است: نخست وجود زمینه‌های خطا در فرایندهای رسیدگی است. همانطور که در چند بخش دیگر سند اشاره شده، یکی از اهداف سند تحول قضایی این است که از طریق بهره‌گیری از سامانه‌های الکترونیک و هوشمند، بخشی از مشکلات این قوه را به حداقل رسانده یا به طور کامل از بین ببرد. در اینجا نیز از راهبرد هوشمندسازی حداکثری فرایندهای رسیدگی در دوره‌های میان‌مدت و بلند مدت به عنوان راه‌حل برای کاهش خطا در فرایندهای رسیدگی سخن به میان آمده است.

دوم تجدید رسیدگی ناشی از ضعف در شیوه‌ابلاغ، سامانه ثبت‌نام الکترونیکی (ثنا) از ابتکارات درست و رو به جلوی

دستگاه قضا در سال‌های اخیر است که ظرفیت خوبی را برای تسریع و تسهیل تشکیل پرونده فراهم کرده است اما آن‌طور که باید فراگیر نشده و برخی ظرفیت‌های آن مغفول مانده است. از طرفی زمانی که ثابت شود ابلاغ واقعی صورت‌نگرفته و شاکي یا متشاکي از جلسه دادگاه باخبر نشده‌اند، در صورت دارا بودن شرایط قانونی دادگاه موظف به تجدید رسیدگی به پرونده مطروحه است.

**حجم بالای ادعاهای اعسار از هزینه دادرسی چقدر در طولانی شدن دادرسی نقش دارد؟**

اعسار از هزینه دادرسی و اعسار از پرداخت محکوم به (که به معنی عدم تمکن و ناتوانی در پرداخت است) از پرکاربردترین پرونده‌ها و ادعاها در دستگاه قضا است. به طوری که راه به گونه‌ای باز گذاشته شده تا همگان دست کم شانس خود را برای گریز از پرداخت هزینه دادرسی یا آنچه به پرداخت آن محکوم شدند را امتحان کنند. تورم پرونده‌های اعسار خود مسئله زاندى شده که وقت قضات را به خود مشغول می‌کند و از سرعت رسیدگی به پرونده‌ها می‌کاهد.

سند تحول با شناسایی صحیح حجم بالای ادعاهای اعسار از هزینه‌های دادرسی به عنوان یکی از عوامل اطاله رسیدگی به پرونده‌ها، راه‌حل‌هایی مثل عدم تشکیل پرونده با موضوع اعسار از هزینه دادرسی و جایگزینی اعتبارسنجی مالی اشخاص مدعی اعسار و غیره در نظر گرفته است.

نکته لازم به ذکر این است که اعتبارسنجی مالی اشخاص مدعی اعسار، اصلاح نظام تعیین و پرداخت هزینه‌های دادرسی در پرونده‌های حقوقی و توسعه روش‌های جایگزین پرداخت نقدی هزینه دادرسی نظیر تسطیق باید به اندازه‌های دقیق و کارشناسانه صورت پذیرد که حقوق معسران واقعی ایماًل نشده و به درستی میان معسران واقعی و مدعیان غیر واقعی اعسار تفکیک شود.

**اطاله در فرایند کارشناسی چگونه موجب زمان‌بر شدن رسیدگی به پرونده قضایی می‌شود؟**

آخرین عامل شناسایی‌شده اطاله دادرسی در سند تحول قضایی، اطاله در فرایند کارشناسی است. برخی از پرونده‌های ابعاد و ویژگی‌هایی دارند که قاضی بدون اخذ نظر کارشناس قادر به صدور حکم نهایی نیست. از طرفی در موارد متعددی مشاهده می‌شود که اخذ نظر کارشناس خود به فرایندی زمان‌بر مبدل شده است. به ویژه در مواردی که نظر کارشناس مورد اعتراض چندباره واقع شده و مجدداً به کارشناسان دیگر ارجاع می‌شود.

سند تحول برای چاره‌اندیشی در کوتاه‌مدت راهبرد استانداردسازی فرایند ارجاع تا مرحله هیئت کارشناسی پنج نفره محدود و ارجاع پرونده‌ها بعد از مرحله سه نفره به انجمن‌ها، مراکز علمی و دانشگاهی تأیید صلاحیت‌شده و طرح در دادگاه نیز قابل حل و فصل است.

در صورت اجرای این دو راهبرد یکی از بزرگ‌ترین نقاط ضعف فرایند کارشناسی تا حد زیادی بهبود می‌یابد. البته علاوه بر دو مورد مذکور، سند تحول می‌توانست مواردی همچون توانمندسازی قضات در پرونده‌های تخصصی (به ویژه قضات دادسراهای تخصصی) و جذب افرادی که در حوزه‌های دیگری تخصص دارند پس از گذراندن دوره‌های تخصصی و ویژه حقوقی به عنوان قاضی پرونده‌های تخصصی را نیز پیش‌بینی کند.

**با توجه به مطالبی که بیسان کردید، به‌طور کلی آیا سند تحول قضایی می‌تواند نقش چشمگیری در جلوگیری از اطاله دادرسی ایفا کند؟**

همانطور که گفته شد اطاله دادرسی از بزرگ‌ترین چالش‌های قوه قضائیه است که هرچند پرداختن سند تحول قضایی به آن لازم بوده است، اما کافی نیست و به طور ویژه باید برای حل این چالش اساسی که مستقیماً کام مراجعان به دستگاه عدلیه را نابخ می‌کند، اقدامات فوری صورت گرفته و همه ظرفیت‌هایی که می‌توانند در این مسیر راهگشا باشند، به کار گرفته شوند. در پایان ذکر این نکته لازم است که از آنجایی که برخی موارد مربوط به حل مشکلات قوه قضائیه در سند تحول قضایی از جمله عوامل اطاله دادرسی در افق کوتاه‌مدت (تیرماه ۱۴۰۰) پیش‌بینی شده بود و در حال حاضر چند ماه از این ضرب‌الاجل گذشته، فرصت خوبی برای ارزیابی میزان اقدامات صورت گرفته و توفیق در اجرای سند تحول قوه قضائیه همگام با گام دوم انقلاب است.

پیشنهاد اصلی این است که در دعاوی با موضوع خشونت خانگی نیز حضور قاضی مشاور الزامی گردد.

به عنوان مثال در فرضی که دختر بچه‌ای توسط ناپدری خود مورد تجاوز قرار گرفته، وی در دادگاه کیفری باید در مقابل قاضی مرد بنشیند و مواقع را شرح دهد. در چه حالتی تجاوز صورت گرفته؟ دقیقاً چه اتفاقی افتاده است؟ اینها چند نمونه از سؤالاتی است که دختر بچه باید در مقابل مردان حاضر در دادگاه به آنها پاسخ گوید. احتمال دارد دختر بچه زانم می‌دهد و زنان شاید راحت‌تر بتوانند در دادگاه‌هایی که مشاور زن وجود دارد مسائل خودشان را مطرح بکنند. مسائل مربوط به خانواده و زن، مسائلی چند ساحتی است که نباید آن را صرفاً یک مسئله حقوقی دانست.

از طرفی، ممکن است ریشه بعضی از دعاوی خانواده ناشی از مشکلاتی در روابط جنسی باشد و در این شرایط با حضور قاضی مرد، زن به راحتی نمی‌تواند اصل موضوع را تبیین کند. به هر حال طبق ماده ۴ قانون حمایت خانواده، ضرورت حضور قاضی مشاور زن در دعاوی خانواده احساس شده است و در قالب این ماده توسط قانونگذار مطرح می‌شود، اما قانونگذار به طور کامل این ضرورت را مورد ارزیابی قرار نداده است. گم‌ایکنه در دعاوی کیفری اگر خشونت در چارچوب خانواده صورت بگیرد، قاضی مشاور زن در چنین دادگاه‌هایی حضور نخواهد داشت.



از پشت میز عدلیه

فاطمه مزجی

کتاب «از پشت میز عدلیه» نوشته آقای امین توسرکانی خاطرات واقعی ایشان به عنوان باز پرس دادرسان است که با قلم طنز به رشته تحریر درآمده و در نشر چشمه به چاپ رسیده است.

هدف از نگارش خاطرات یک قاضی در ابتدای کتاب اینگونه عنوان شده است که عموم مردم تصویری واقعی از شخصیت یک حقوقدان در قضاوت را به عنوان حرفه خود انتخاب کرده است، ندارند. شناخت آنها از یک قاضی مردی مسن، عصا قورت داده و غیرمتعطف است که باید با احتیاط از کنار او عبور کرد و این قلم طنز به دنبال ایجاد تصویری واقع‌بینانه‌تر از محیط‌های قضایی و قضات است.

البته به عنوان یک دانشجوی حقوق هم خواندن این کتاب برای شما جالب خواهد بود و تا حدودی دستتان می‌آید که در دنیای واقعی و بین مردم جامعه دعاوی‌ای مطرح می‌شود که اصلاً به شبکی سؤالات امتحانی مان نیست.

البته مسائل بسیاری وجود دارد که ما در دانشکده حقوق نمی‌آموزیم اما در عالم دادگاه‌ها و دادسراها به کارمان می‌آید و تصویری از برخی از چالش‌های قضاوت که اصلاً در دوران دانشجویی نمی‌شنویم به دست می‌دهد. در مجموع این کتاب برای عموم نوشته شده است و به مباحث عمقی و تخصصی حقوقی نمی‌پردازد.

حتماً در طول مطالعه این کتاب ۱۶ صفحه‌ای که احتمالاً تا آخر آن را یکجسا می‌خوانید چند باری با صدای بلند می‌خندید و اینکه نویسنده خود را اساساً طنزنویس معرفی می‌کند، تصدیق خواهید کرد. در آخر خوب است بدانید این کتاب واکنش دادگاه انتظامی قضات را برانگیخت و به استناد بند ۶ ماده ۱۵ قانون نظارت بر رفتار قضات ایشان را محکوم به کسر از حقوق کرده‌اند که شما می‌توانید بعد از خواندن کتاب این رأی را تحلیل کنید نه قبل از آن.



بیجه

باز یگر یک داستان شوم

محمدحسین عسگری

روایتی از یک پرونده جنایی قدیمی و فراموش شده؛ بیجه، نام‌بازگرا اصلی این مستند است. هرچند قطعاً نمی‌توان او را تنها بازیگر آن دانست. مستند بیجه روایتی تقریباً دقیق و کامل و با بررسی ابعاد و زوایای مختلف واقعه در باره قتل‌های سریالی کودکان در شهرستان پاکدشت استان تهران است.

پرونده قتل‌های زنجیره‌ای معمولاً از پیچیده‌ترین پرونده‌های جنایی هستند اما این مستند نشان می‌دهد که چطور تمام قتل‌ها در منطقه کوچکی در حاشیه شهر تهران اتفاق می‌افتد و این کار چقدر برای بیجه ساده و بدون دردسر بوده است.

مستند به خوبی توانسته نشان دهد تعیین مجازات‌های سنگین و مختلف برای جرائم به هیچ عنوان برای بازدارندگی از وقوع جرم کافی نیستند. فقر اقتصادی، فقر فرهنگی، حاشیه‌نشینی، بی‌توجهی ساختاری، عقده‌های روانی، کمبودهای عاطفی، شرایط محیطی و جغرافیایی و خیلی عوامل دیگر که در مستند به وضوح به نمایش گذاشته می‌شود همه و همه از علل مهم و اصلی وقوع جرمی به بزرگی جرم بیجه است.

عواملی که هر کدام به تنهایی شاید آنچنان بزرگ به نظر نرسند و قابل چشم‌پوشی باشند اما وقتی در کنار هم قرار بگیرند، زنجیره‌ای قوی به قدرت قتل‌های زنجیره‌ای کودکان تشکیل می‌شود.

بیجه ساده می‌توان بدون در نظر گرفتن قدرت اجتماعی خانواده‌ها به خواسته آنها رسیدگی بشود و نمی‌شود. چقدر ساده می‌شد جلوی داغدار شدن تعداد خانواده‌های بیشتر را گرفت ولی گرفته نشد. دیدن این مستند را به علاقه‌مندان حقوق جزا پیشنهاد می‌کنم تا با ابعاد بزرگ‌تری از وقوع جرم آشنا شوند.